

## تحلیل لایه‌ای علل تداوم بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و پیشنهاد‌های سیاستی برای مقابله با چالش‌ها

یحیی فوزی<sup>۱\*</sup>، محمد محمودی کیا<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استاد گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران  
<sup>۲</sup>استادپار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش شناسایی علل تداوم بحران و چالش‌ها در برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران طی چند دهه اخیر است، از این رو تلاش شده است با استفاده از رویکردی واقع‌گرایانه‌تر، جامع‌تر و چندلایه‌ای برای بررسی علل بروز چالش‌ها، سیاست‌های مؤثر برای مقابله با آنها پیشنهاد شود. پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. چرا تلاش ج.ا. ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای در دوران پس‌انقلاب با چالش‌های جدی مواجه شد؟ ۲. چگونه می‌توان به حل این بحران هسته‌ای کمک کرد؟ در فرضیه تأکید می‌شود که تأثیرگذاری متقابل عوامل گوناگونی در سطوح مختلف موجب تداوم چالش امنیتی و بحران هسته‌ای ایران شده است. با رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها و استفاده از روش استنتاجی تحلیل مضمون، ۶۰ مقاله علمی پژوهشی شناسایی و ۲۵ مقاله چاپ‌شده داخلی در دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۸ بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که علل تداوم مسئله هسته‌ای در سطوح مختلف نهفته‌اند، و اینکه علل مشاهده‌شده در سطوح اول را با استفاده از گام‌های متعارف دیپلماتیک در کوتاه‌مدت می‌توان برطرف کرد. با این حال، رویارویی با علل موجود در لایه‌های زیرین نیازمند سازوکارهای بنیانی‌تر میان‌مدت و بلندمدت است، تا با مدیریت این بحران زمینه برای رویارویی با چالش‌های امنیتی فراهم شده، و در نهایت محیط کمتر چالش‌زایی با حفظ هویت دینی کشور برای دولت و ملت ایران ایجاد شود.

**واژگان کلیدی:** جمهوری اسلامی ایران، مدیریت بحران هسته‌ای، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، شورای امنیت سازمان ملل، فناوری هسته‌ای

\* نویسنده مسئول، رایانامه: fozi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، تاریخ تصویب: ۲۳ اسفند ۱۴۰۰

## ۱. مقدمه

فناوری هسته‌ای در جهان امروز در حوزه‌های مختلف نظامی و غیرنظامی اهمیت ویژه‌ای دارد و از ابزارهای مهم در جهت توسعه و استفاده بهینه از منابع موجود انرژی در کشورها به‌شمار می‌آید. افزون‌بر مزایای گوناگون اقتصادی، کشاورزی، صنعتی، محیط‌زیستی و پزشکی، می‌تواند در حوزه نظامی و امنیتی نیز برای حفظ و ارتقای موقعیت کشورها و رویارویی با بازدارندگی دشمنان در محیط بین‌المللی به‌کار رود. از این‌رو، به‌دلیل اهمیت و مزایای این فناوری، کشورهای دارای این فناوری تلاش گسترده‌ای برای حفظ انحصار آن و جلوگیری از دستیابی دیگران به این فناوری کرده و با قوت در حفظ انحصاری باشگاه هسته‌ای برای چند کشور قدرتمند پافشاری می‌کنند. کشور ایران از سال‌های پیش از انقلاب به‌دنبال استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای بود و در این راه با همکاری برخی کشورهای غربی بنیاد فناوری هسته‌ای را شکل داد و اقدام‌های مختلفی همچون تأسیس نیروگاه و سرمایه‌گذاری در این بخش را آغاز کرد. با این حال، پس از انقلاب و هنگامی که دولت انقلابی تلاش‌هایش را برای تداوم روند گذشته و تقویت این فناوری در کشور تداوم بخشید، با موانع و مقاومت جدی دولت‌های غربی مواجه شد. این در حالی بود که این قدرت‌های جهانی حساسیتی به دستیابی به فناوری هسته‌ای و حتی دستیابی به اشاعه سلاح هسته‌ای از سوی دیگر کشورهای هم‌پیمان غرب در منطقه نداشتند.

در این مقاله، روند این چالش که طی دهه‌های گذشته به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم ج.ا. ایران در رویارویی با قدرت‌های بزرگ حاکم بر نظام بین‌الملل بوده است، بررسی و تلاش شده است به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: ۱. چرا تلاش مشروع ج.ا. ایران برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای در دوران پساانقلاب با چالش‌های جدی مواجه شد؟ ۲. دلایل واکنش منفی و مخالفت شدید قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل با برنامه انرژی هسته‌ای ج.ا. ایران کدام‌اند؟ ۳. چگونه می‌توان به حل این بحران هسته‌ای کمک کرد؟ ۴. چه سیاست‌هایی برای رویارویی با این چالش‌ها پیشنهاد شده است؟ در فرضیه پژوهشی تأکید می‌شود که تأثیرگذاری متقابل عوامل متعددی در سطوح مختلف سبب تداوم چالش امنیتی و بحران هسته‌ای ایران شده است.

## ۲. رویکرد نظری و روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر رویکرد تحلیلی لایه‌ای علت‌ها<sup>۱</sup> انجام گرفته، که به سنت آینده‌پژوهی انتقادی ابداع‌شده سهیل عنایت‌الله، آینده‌پژوه پاکستانی- استرالیایی مربوط است. هرچند تحلیل

لایه‌ای علت‌ها، گاهی به‌عنوان روش آینده‌پژوهی مطرح می‌شود، اما در واقع رویکردی تفکری است. در این رویکرد تحلیل واقعیت اجتماعی و سیاسی نیازمند تحلیل لایه‌های مختلف مؤثر بر آن است که این لایه‌ها در چهار سطح تعریف می‌شوند که در مقایسه با تحلیل تک‌لایه‌ای یا دولایه‌ای، رهیافت ژرف‌تری به مسائل دارد و از سطحی‌نگری عبور می‌کند و به تحلیل علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری واقعیت‌ها می‌پردازد (Inayatullah, 2004: 17).

تحلیل لایه‌ای، در چهار سطح لیتانی یا سطح عینی<sup>۱</sup>، سطح نظام‌های علمی، سطح گفتمان و جهان‌بینی و در نهایت سطح اسطوره به تحلیل واقعیت‌ها می‌پردازد. در این سطوح تحلیلی، سطح اول واقعیت مورد مشاهده که عنایت‌الله آن را سطح عینی می‌نامد، توصیف می‌شود. در سطح دوم کشف علل نظام‌مند، از راه نظام‌های علمی، به تحلیل علت واقعیت موجود (از جمله علت‌های اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، سیاسی، محیط‌زیستی و تاریخی) می‌پردازیم. این سطح، به‌طور معمول در پژوهش‌های علمی به‌خصوص در حوزه فنی و تجربی استفاده می‌شود. اما عنایت‌الله معتقد است این سطح از تحلیل کافی نیست و به‌ویژه در پدیده‌های انسانی، علل به سطوح عمیق‌تری وابسته‌اند و از این رو معتقد است برای تحلیل عمیق‌تر باید به لایه سوم یعنی لایه گفتمانی و جهان‌بینی رجوع کرد. هر جهان‌بینی در مجموعه‌ای از ارزش‌ها خلاصه می‌شود، بنابراین، هدف این لایه، کشف پارادایم‌ها و ارزش‌های بنیادینی است که سطح عینی را خلق می‌کنند و سعی در مشروع‌سازی آن دارند. در نهایت در سطح اسطوره – استعاره، به ریشه‌یابی عمیق‌تر علل می‌پردازد. باید توجه داشت که غرض از اسطوره در اینجا آنچه پسندیده و آرمانی (ایده‌آل) است که در پشت هر واقعیت اجتماعی پنهان شده‌اند (Inayatullah, 2004: 16). روش به‌کاررفته در این پژوهش تحلیل مضمون<sup>۲</sup> است که برای تبیین علل در لایه‌های مختلف استفاده شده است. درباره علل به‌وجودآورنده چالش براساس تحلیل لایه‌ای علت‌ها می‌توان به لایه‌های علی زیر اشاره کرد که پژوهش در هر لایه می‌تواند سناریوها و راهبردهایی را به تناسب پیش‌نیازها و نیازهای هر لایه ابداع کند.

## ۲.۱. سطوح تحلیل لایه‌ای علل تداوم چالش هسته‌ای ایران

### ۲.۱.۱. سطح لیتانی (سطح عینی، مشاهده‌پذیر و ظاهری واقعیت)

این سطح آشکارترین و مشاهده‌شدنی‌ترین ساختار اجتماعی واقعیت است. این سطح با معرفت آشکار و عینی سروکار دارد، عامه‌پسند و به‌طور کامل مشاهده‌شدنی است. علل آشکار چالش نظام بین‌الملل با ج.ا. ایران درباره موضوع هسته‌ای را باید در قطعنامه‌های شورای امنیت

۱. واژه Litany در اینجا سطح «عینی» تعریف شده است.

علیه ج.ا. ایران<sup>۱</sup> و اسناد آژانس بین‌المللی اتمی و شورای احکام آژانس مشاهده کرد که در این اسناد اغلب بر ضرورت تعهد به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و خطر اشاعه ناشی از برنامه‌های هسته‌ای ج.ا. ایران و ضرورت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تمرکز شده است. بر این اساس در یک طبقه‌بندی از دلایل آشکار درباره چرایی رویارویی شورای امنیت و نهادهای بین‌المللی با ج.ا. ایران درباره مسائل هسته‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، شش قطعنامه مهم و چندین قطعنامه حاشیه‌ای از سوی شورای امنیت درباره موضوع هسته‌ای ج.ا. ایران صادر شده است. قطعنامه‌های ۱۶۹۹، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ همگی به‌نوعی نسبت به ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران و نبود شفافیت در برنامه توسعه فناوری‌های حساس هسته‌ای اظهار نگرانی کرده‌اند.<sup>۲</sup> در مجموع می‌توان گفت، مهم‌ترین علل چالش در سطح ظاهری بحران نگرانی جدی درباره بعد هسته‌ای نظامی ج.ا. ایران و گسترش سلاح‌های هسته‌ای و خطرهای اشاعه ناشی از برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران، نگرانی درباره شفاف نبودن همه وجوه برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران و نگرانی از بی‌توجهی این کشور به مسئولیت ابتدایی‌اش تحت منشور سازمان ملل متحد برای حفظ صلح و ثبات بین‌المللی است.

## ۲.۱.۲. سطح علل نظام‌مند و تجربی

پژوهشگران دانشگاهی به‌طور معمول در این سطح آشکارتر واقعیت برای شناسایی علل اقدام می‌کنند، که نمایانگر ابعاد و لایه دوم پنهان واقعیت است. فرض در سطح دوم آن است که مسائل و چالش‌ها به‌خودی‌خود پدید نمی‌آیند، بلکه در ساختارها و نظام‌های سیاسی اجتماعی ریشه دارند، از این‌رو با پویای عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی می‌توان به کشف علل در این سطح اقدام کرد. از این‌رو، برای کشف علل نظام‌مند به پژوهش‌های علمی دانشگاهی انجام‌گرفته مراجعه شد تا با بررسی یافته‌های آنها بتوان طبقه‌بندی مناسبی از علل تداوم این بحران برای ایران ارائه کرد. با جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی بیش از ۶۰ مقاله به فارسی شناسایی شد و با توجه اهداف پژوهش، کیفیت فصلنامه‌ها و مقاله‌های چاپ‌شده از بین آنها ۲۵ مقاله انتخاب و بررسی شدند.

۱. برای آگاهی از این قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، ر ش به:

<https://www.un.org/securitycouncil/content/resolutions-0>

۲. برای اطلاعات بیشتر در مورد ۹ قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰، ر ش به: (International Atomic Organization, n.d.)

جدول ۱. مضامین اصلی در یافته‌های ۲۵ مقاله علمی چاپ‌شده درباره علل چالش هسته‌ای

مقولات	مضامین / منبع	مضامین محوری
ابعاد هویتی و هنجاری	رویکرد امنیتی آمریکا به جمهوری اسلامی ایران (دهشیر و نظری، ۱۳۹۸) نقش محوری منافع و عوامل مادی در کنار تصویرهای منفی متأثر از تجربه تاریخی، فراگفتمان استقلال در ایران و عوامل ایدئولوژیک و هویتی (کولایی و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۳) «چرخه منفی برساز» در روابط میان ایران و آمریکا (سلطانی‌نژاد و شاپوری، ۱۳۹۲) نقش اساسی رسانه‌های آمریکایی (حق‌گو، ۱۳۹۵) سیاست آمریکا مبتنی بر تشدید تقابل در سطوح متعارف و نامتعارف (جمشیدی، ۱۳۹۴) نوسان سیاست‌های آمریکا بین واقعیت‌گرایی تهاجمی مبتنی بر تهدید ایران و نهادگرایی نئولیبرال مبتنی بر تعامل و مذاکره با ایران (طباطبایی و منتظری، ۱۳۹۷)	تقابل ادراک از موضوع هسته‌ای
ابعاد هویتی و هنجاری	خط‌مشی انقلابی و ضدآمریکایی ایران (قنبرلو، ۱۳۹۶) تقابل ادراک تهران و غرب از سیاست هسته‌ای (ذوالفقاری و جعفری، ۱۳۹۵) رقابت هویتی میان ایران و غرب (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۴) تنش‌های سیاسی ایران و غرب (دیلیم صالحی و صایبی، ۱۳۹۶) نحوه تفکر غرب نسبت به برنامه هسته‌ای ایران (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹) تقابل دو رویکرد نواقیعت‌گرایی و نئولیبرالیسم در منازعات از سوی ایران و آمریکا (احمدیان و احمدی، ۱۳۹۳)	تقابل موضوع هسته‌ای
ابعاد مادی و منافع	تقابل برنامه هسته‌ای ایران با منافع و رویکرد توازن فراساحلی آمریکا در خلیج فارس (موسوی‌فر، ۱۳۹۸)	منافع آمریکا
ابعاد مادی و منافع	همسویی منافع آمریکا و اروپا در مخالفت با هسته‌ای شدن ایران (صباغیان و احمدی‌بگی، ۱۳۹۶) تعارضات ایران و اتحادیه اروپایی (سلطانی‌نژاد و شاپوری، ۱۳۹۵) نوسان مواضع کشورهای اروپایی به دلیل منافع داخلی آنها در قبال برنامه هسته‌ای ایران (هادیان و شاه‌نوری، ۱۳۹۵) حفظ نظام بین‌المللی عدم اشاعه از سوی اروپا (خوش‌اندام، ۱۳۹۴) نقش تشدید اختلاف‌های سیاسی اروپا و ایران طی سال‌های اخیر (خالوزاده، ۱۳۹۱)	منافع اروپا
ابعاد مادی و منافع	مخالفت روسیه با هسته‌ای شدن ایران به دلیل منافع منطقه‌ای و اوراسیاگرایی (هادیان و زرگری، ۱۳۹۷) قدرتمند شدن یک ایران هسته‌ای مخالف منافع منطقه‌ای روسیه و چین است (بصیری و آئینه‌وند، ۱۳۹۵)	منافع روسیه
ابعاد مادی و منافع	مخالفت چین با هسته‌ای ایران به دلیل مناسبات پکن با واشنگتن و امنیت انرژی چین (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱) قدرتمند شدن یک ایران هسته‌ای مخالف منافع منطقه‌ای روسیه و چین است (بصیری و آئینه‌وند، ۱۳۹۵)	منافع چین
ابعاد مادی و منافع	تغییر در ترکیب بازیگران اصلی بین‌المللی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران و تغییر منافع آنها موجب تداوم چالش هسته‌ای شده است (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۴) عوامل ژئوکالچری (مهدیان و همکاران، ۱۳۹۶) مخالفت راهبردی رژیم صهیونیستی با هسته‌ای ایران (خاتمی و انوشه، ۱۳۹۸) نقش لابی اسرائیل در آمریکا (دهقانی فیروزآبادی و علوی، ۱۳۹۵)	منافع بازیگران مختلف

منبع: نگارندگان

برای شناسایی رابطه علی اشاره‌شده در مطالعات پیشین، مضامین محوری آنها در جدول ۱ ارائه شده است. در جمع‌بندی این جدول باید گفت اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بررسی علل تجربی چالش، با سه رویکرد (نواقیعت‌گرایی، سازه‌نگارانه، و تلفیقی) به بررسی این مسئله پرداخته‌اند. رویکرد نواقیعت‌گرایی علل چالش را اغلب در علل ساختاری و منافع بازیگران در این ساختار جست‌وجو می‌کند، و با تأکید بر وضعیت آنارشی حاکم در روابط بین‌الملل و نقش توازن قوا و ساختاری قدرت، بیان می‌کند که رفتار کشورها در این چارچوب

و ساختار انجام می‌گیرد، و ساختارها و منافع کشورها در آن می‌تواند نوع و قواعد بازی را تعیین کند. سازه‌نگاری اغلب بر عوامل کارگزاری و ارادی تأکید دارد، و بیان می‌کند که کنش‌های انسانی، مبتنی بر معناسازی است و همین معانی است که به واقعیات در عرصه بین‌الملل شکل می‌دهد، از این رو علل چالش‌ها را باید در هویت، فرهنگ و هنجارها و معانی ذهنی کنشگران از رفتار یکدیگر باید جست‌وجو کرد.

**۳.۱.۲. سطح جهان‌بینی و گفتمان: علل مرتبط با نوع نگرش قدرت‌های بزرگ به ایران**

سومین سطح تحلیل علمی به نوع نگرش کلان و فراگفتمان قدرت‌های بزرگ به ایران انقلابی مربوط می‌شود که آن را نوع جهان‌بینی و گفتمان بازیگران درباره موضوع می‌توان نامید و به تشخیص فرضیات عمیق‌تر پشت مسئله و تلاش برای تدوین چشم‌اندازی جدید از مسئله می‌پردازد. در این مرحله می‌توان فهمید که چگونه گفتمان‌های مختلف تحت تأثیر قدرت فراتر از یک علت یا میانجی برای مسئله عمل می‌کنند و آن را می‌سازند (گلن و نگوردن، ۱۳۹۳: ۱۰۴). بر اساس این بحث می‌توان گفت فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از سوی شبکه حاکم بر قدرت در عرصه جهانی به تدریج شکل امنیتی به خود گرفته است، به طوری که آن را نوعی تهدید صلح و امنیت بین‌المللی می‌دانند. این تهدید که ابتدا از سوی کشورهای غربی مطرح شد، حتی به تدریج در سطوح پایین‌تری از سوی دیگر قدرت‌های جهانی نیز پذیرفته شده، به طوری که هم آنها را در یک جبهه متحد علیه برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران قرار داده است. درباره چگونگی این برساختگی، محورهای اصلی مؤثر در شکل‌گیری درک این قدرت‌ها از ج.ا. ایران در قالب چهار برنامه اتهامی مطرح شده در جدول ۲ معرفی می‌شوند.

بر این اساس می‌توان گفت نوع نگرش کلان (جهان‌بینی) و گفتمان حاکم بر نوع نگرش قدرت‌های عضو شورای امنیت به ایران انقلابی فراتر از سخنان و اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های آنها در شورا، با وجود برخی تفاوت‌ها، بر گفتمانی امنیتی و تهدیدانگار از ایران انقلابی استوار است و این گفتمان که در پیوند با عناصر قدرت در پشت تحرکات سیاسی درباره ج.ا. ایران شکل گرفته، تأثیر زیادی در تداوم و نبود حل و فصل موضوع هسته‌ای ج.ا. ایران داشته است.

جدول ۲. چهار محور مؤثر در شکل‌گیری درک قدرت‌های بزرگ از تهدیدپذیری ایران پس‌انقلاب

محور	برنامه اتهامی	درک قدرت‌های بزرگ از ایران
۱	۱. ایده «ایران به‌مثابه کشوری یاغی»	طرح ایده «ایران به‌مثابه یک کشور یاغی»، نخستین برنامه اتهامی امریکاست که پیامد رفتار آن در سال‌های آغازین انقلاب و تلاش این کشور برای صدور انقلاب و بی‌ثباتی‌سازی منطقه است. در این دیدگاه، ج.ا. ایران از متحدی منطقه‌ای به دشمن آشکاری که به‌واسطه پشتیبانی از گروه‌های تروریستی و (بعدها استفاده از تسلیحات کشتار جمعی و موشک‌های بالستیک) به‌دنبال تحقق اهداف ایدئولوژیک خود در حوزه سیاست خارجی و امنیتی است، تبدیل شد. این نوع برداشت امریکایی‌ها از انگیزه‌ها و نحوه رفتار ایران از آغاز انقلاب تا به امروز تاحدی بی‌تغییر باقی مانده است. دومین طرح اتهامی «بهره‌مندی جمهوری اسلامی ایران از سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های بالستیک است که این کشور را قادر خواهد ساخت به سمت همسایگان خود در منطقه و ورای منطقه کلاهک‌های غیراتمی و کلاهک‌هایی که به‌طور بالقوه شیمیایی بیولوژیکی یا هسته‌ای هستند، پرتاب کند (Congressional Research Service, 2007: 17).
۲	خطری برای ثبات خاورمیانه و منافع اروپا در آن منطقه	دولت‌های اروپایی نیز همواره در اسناد مختلف خود ج.ا. ایران را به‌عنوان تهدیدی مطرح کرده‌اند. این تهدیدانگاری از یک سو تحت تأثیر نوع تصور اروپا و غرب از اسلام سیاسی به‌عنوان خطری برای ثبات خاورمیانه و منافع اروپا در آن منطقه است که البته در سال‌های اخیر با سازماندهی حملات تروریستی در فرانسه و بلژیک از سوی گروه تروریستی تکفیری داعش، اروپایی به پیامدهای سیاسی و امنیتی جدی و خطرناک تحولات خاورمیانه برای خود واقف‌تر شده‌اند. چنین شرایطی سبب شده است تا دیدگاه و دستورکارهای اروپایی‌ها در مورد خاورمیانه به امریکا نزدیک‌تر شود و در نتیجه همکاری‌ها میان آنها در این مورد نیز افزایش یابد. این مسئله بر نگاه و رویکرد اتحادیه اروپا در برخورد با ج.ا. ایران نیز تأثیر می‌گذارد (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۳). بر این اساس احتمال اتمی شدن ج.ا. ایران کابوسی برای امنیت منافع اروپا در منطقه به‌شمار می‌آید.
۳	نگرش روسیه به ایران (حفظ برتری هسته‌ای در منطقه)	با وجود مواضع تا حدی دوستانه‌تر روسیه در قبال ایران، رهبران کرم‌لین نیز اسلام سیاسی مسلح به هسته‌ای در منطقه را تهدیدی برای خود می‌داند و روسیه به‌عنوان ابرقدرتی هسته‌ای همواره نسبت به تغییر موازنه هسته‌ای در منطقه حساس است و این حساسیت را در حفظ موازنه هسته‌ای در مرزهای جنوبی خود و نیز حفظ برتری هسته‌ای در منطقه با جدیت دنبال می‌کند. رهبران روسیه که در تأثیر هویت اوراسیاگرایی خود را ابرقدرت مسلط در اوراسیا می‌دانند، این نگرانی را دارند که در صورت افزایش توانمندی‌های ایران به موازات پیشرفت‌های گسترده در برنامه هسته‌ای یا دسترسی احتمالی به تسلیحات هسته‌ای، ایران ظرفیت پیدایش به‌عنوان رقیب منطقه‌ای سرسخت برای روسیه را به‌دست آورد. این رویکرد تنها محدود به مسئله هسته‌ای نیست و مسکو نگران هر گونه افزایش زیاد قدرت ایران در حوزه‌های انرژی یا نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز نیز است (هادیان و زرگری، ۱۳۹۷: ۲۵۷-۲۵۶).
۴	نگرش چین (خطر هسته‌ای)	چین نیز هرچند از برخی اقدام‌های ج.ا. ایران به‌عنوان کشور مزاحم برای امریکا پشتیبانی می‌کند، اما قدرتمند شدن این بازیگر ایدئولوژیک به‌ویژه هسته‌ای شدن آن را برای منافع خود در منطقه خطرناک می‌داند. از این رو، پکن سعی دارد خود را در قبال رژیم‌ها و قواعد بین‌المللی مانند اصول ان. پی. تی متعهد نشان دهد و تلاش می‌کند در همراهی با واشنگتن،

محور	برنامه اتهامی	درک قدرت‌های بزرگ از ایران
		تهران را به قواعد بین‌المللی از جمله معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای متعهد سازد و فعالیت‌های هسته‌ای آن را در مسیری پذیرفته‌شده با هنجارهای مورد قبول بین‌المللی قرار دهد؛ از این رو به مجموعه‌ای از قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ج.ا. ایران که تحریم‌های شدیدی را به ج.ا. ایران تحمیل کرده است، رأی مثبت داد (بصیری و آئینه‌وند، ۱۳۹۵: ۳۷)

منبع: نگارندگان

#### ۴.۱.۲. سطح عمیق‌تر علل: استعاره‌ها

استعاره‌ها و اسطوره‌ها نوعی تولید فرهنگی برای خلق هویت و اقدام‌های فوری و جمعی مقتدرانه در زمان‌های مختلفاند و ایده‌آل‌های نهفته در پس و پشت جهان‌بینی‌ها را توضیح می‌دهند. به بیان دیگر، ایده‌آل‌ها مطلوباتی است که در پشت واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی پنهان شده‌اند و تغییر در هر واقعیت نیازمند سرایش داستان‌های جدیدی در عرصه استعاره‌ای و اسطوره‌ای است. بر این اساس در علل چالش بین نظام بین‌المللی و ج.ا. ایران می‌توان به استعاره‌هایی اشاره کرد که معنابخش نوع رویکرد به وضعیت موجود رویارویی با موضوع هسته‌ای ج.ا. ایران است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

#### ۴.۱.۳. استعاره صلح و امنیت جهانی

امنیت بین‌الملل به معنای حفظ مناسبات قدرت در عرصه جهانی است و هر کنشگری که بخواهد فراتر از این مناسبات حرکت کند، برهم‌زننده امنیت و صلح بین‌المللی قلمداد شده و با آن برخورد می‌شود. بر همین اساس، هر گونه کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر انتقاد از وضعیت موجود یا تلاش برای مقابله با برخی مناسبات ظالمانه و ناعادلانه در نظام بین‌الملل همچون مخالفت با اقدام‌های ظالمانه و غاصبانه اسرائیل در منطقه و حفظ استقلال عمل کشورها به دور از مداخلات خارجی، از سوی قدرت‌های حاکم با توسل به استعاره دفاع از صلح و امنیت بین‌المللی با چالش همراه شده و ج.ا. ایران به‌عنوان برهم‌زننده صلح و امنیت بین‌المللی معرفی شده است. در واقع، این نوع اسطوره‌سازی‌های حاکم بر نظام بین‌الملل را می‌توان علل عمیق‌تر چالش‌های موجود بین ج.ا. ایران و نظام بین‌الملل دانست که تغییر این اسطوره و بازتعریف آن براساس تعریف دموکراتیک‌تر و واقعی‌تری از امنیت و نظم بین‌المللی می‌تواند به بازتعریف چالش و تغییر در رویکرد به اقدام‌های کشورها از جمله ج.ا. ایران بینجامد.



#### ۲.۴.۱. استعاره تروریسم

پس از جنگ سرد رویکرد جدیدی در مورد تهدیدهای نظام بین‌المللی در بین کشورهای غربی یعنی آمریکا و اروپا شکل گرفت که در قالب مفاهیم و استعاره‌های جدیدی مطرح شد که یکی از آنها تأکید بر واژه تروریسم بود. استعاره تروریسم اغلب پس از ۱۱ سپتامبر به شدت بزرگ‌نمایی و جایگزین تهدید کمونیسم شد و محیط امنیتی براساس آن تعریف شد، به طوری که کشورهای غربی اغلب تعریف جدیدی از امنیت و تهدیدهای امنیتی ارائه دادند و راهبردهای جدیدی را برای مقابله با تروریسم به عنوان مهم‌ترین تهدیدکننده امنیت ارائه کردند. این واژه به عنوان واژه کلیدی در همه اسناد راهبرد ملی آمریکا در سال‌های بعد به طور مکرر به عنوان مهم‌ترین چالش پیش روی غرب طرح شد. همچنین با خلق دشمن جدیدی به نام تروریسم، زمینه بهره‌برداری آمریکا از این دشمن را در جهت حل و فصل مشکلات خود در نظام بین‌الملل فراهم کرد؛ به طوری که یکی از دلایل سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، جدی بودن تهدید تروریسم برای این کشور است (افتخاری ۱۳۸۳: ۲۶۰).

در اروپا نیز موضوع تروریسم به عنوان تهدیدی جدی مطرح شد، به طوری که از جمله مهم‌ترین و اصلی‌ترین تهدیدهایی است که در سند راهبرد امنیتی اتحادیه اروپا نیز در دسامبر ۲۰۰۳ بیان شده است. برای شناسایی تهدید تروریسم از دیدگاه اتحادیه اروپا می‌توان سه مرحله را مورد توجه قرار داد: در مرحله اول بیانیه اتحادیه اروپا بی‌درنگ پس از حملات ۱۱ سپتامبر، بر تهدیدی که از سوی آمریکا به عنوان یک تهدید جهانی نسبت به جوامع باز و مردم‌سالار مطرح شد، تأکید کردند. در این زمینه به تدریج روسیه و چین نیز مصادیق مختلفی از تروریسم از جمله مسلمانان رادیکال را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی محسوب کردند و حملات تروریستی گروه‌های رادیکال و به خصوص داعش در این کشورها نقش مهمی در تقویت این ذهنیت داشت و بدین‌سان استعاره مقابله با تروریسم موتور حرکت و معنابخش بر اقدام‌های مختلف یک‌جانبه‌گری آمریکا شد که در مواردی با پشتیبانی همه اعضای شورای امنیت همراه شد. با توجه به مبهم بودن این برچسب و نبود تمایز بین تروریسم و مبارزات مشروع و آزادی‌بخش، این برچسب برای هر گونه حرکت مخالف با منافع غرب می‌تواند به کار رود و از این‌رو ج.ا. ایران همواره با این برچسب از سوی قدرت‌های جهانی به خصوص آمریکا متهم شده و دفاع ج.ا. ایران از مردم مظلوم فلسطین، یمن و... مصادق پشتیبانی از تروریسم خوانده شده است. به عبارت دیگر، همه جریان‌های مخالف تجاوزطلبی اسرائیل را تروریسم نامیده است که هر گونه برچسب تروریسم به کشورها می‌تواند زمینه را برای فشارهای بیشتر و تهدیدانگاری آنها آماده سازد.

### ۳.۴.۱. ۲. استعاره فناوری و نیروها مخالف

یکی دیگر از استعاره‌های معنابخش به نوع رویارویی با موضوع دستیابی ج.ا. ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را می‌توان استعاره ارتباط سلاح هسته‌ای و فناوری‌های خطرناک با تروریسم و دولت‌های حامی تروریسم که از آنها در اسناد امنیت ملی دولت امریکا به‌عنوان دولت‌های سرکش یاد می‌شود، دانست. در شرایط امنیتی پس از ۱۱ سپتامبر و در استراتژی امنیت ملی امریکا در دسامبر ۱۹۹۹ و در دوران پس از جنگ سرد که به‌عنوان استراتژی امنیت ملی برای سده جدید انتشار یافت، امریکا همواره بر خطر گسترش فناوری‌های خطرناک و فرار گرفتن آن در اختیار تروریست‌ها و دولت‌های مخالف غرب هراس داشت و بر آن تأکید می‌کرد. این اسناد محیط امنیتی امریکا را محیطی پویا، مطمئن و مملو از چالش‌هایی دانست که امکان بالقوه تبدیل شدن به وقایع مرگبار را داراست که یکی از این چالش‌ها، گسترش فناوری خطرناک است. دولت بوش در سند استراتژی امنیت ملی در ۲۰۰۲، بیان می‌کند که بزرگ‌ترین خطری که امریکا را تهدید می‌کند، تقاطع خطرناک رادیکالیسم و فناوری است و با گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تمام دولت‌های ضعیف می‌توانند توان ضربه زدن به ملت‌های بزرگ را به‌دست آورند (دهشیار، ۱۳۸۱: ۳۷). این نوع نگرانی در حالی است که کشورهای قدرتمند نظام بین‌الملل هر سال بر تنوع سلاح‌های کشتار جمعی خود می‌افزایند و براساس نوعی رویارویی گزینشی با این خطر مواجه می‌شوند، به‌طوری‌که همواره یک پیش‌دآوری خطرناک را در مورد دستیابی ج.ا. ایران به فناوری‌های حساس ایجاد کرده و یکی از عوامل حساسیت‌زا نسبت به دستیابی ج.ا. ایران به فناوری‌های مختلف از جمله هسته‌ای را موجب شده، این در حالی است که دستیابی و توسعه زرادخانه‌های هسته‌ای کشورهای دیگر هم‌پیمان با غرب همچون اسرائیل نادیده گرفته می‌شود و حتی براساس برخی گزارش‌ها در مواقعی دستیابی برخی گروه‌های تروریستی همسو با غرب را تسهیل کرده‌اند. به هر حال تقویت و اشاعه این اسطوره‌سازی‌ها از خطرناک بودن دستیابی ج.ا. ایران به فناوری‌های مختلف که از سوی رسانه‌های غربی و سیاستمداران حاکم بر جهان ترویج می‌شود، از عوامل عمیق بر چالش هسته‌ای ج.ا. ایران و تداوم آن است.

### ۳. نتیجه

در این بخش، نخست یافته‌های پژوهش، و سپس چند پیشنهاد سیاستی ارائه می‌شود. درباره چرایی تداوم چالش ج.ا. ایران و شورای امنیت سازمان ملل نشان داده شد که علل تداوم چالش بر سر برنامه هسته‌ای ایران را می‌توان در سطوح مختلف بررسی کرد. درحالی‌که در سطوح عینی‌تر و مشاهده‌پذیر برخی علل وجود دارد که به نظر به‌آسانی و از راه مذاکره حل‌شدنی است، اما ریشه تداوم این بحران را باید در علل عمیق‌تری جست‌وجو کرد. بنابراین

در این پژوهش به لایه‌های چهارگانه علی شکست اقدام‌ها برای پایان دادن به بحران به شرح زیر توجه شد:

▪ بر علل روبنایی و مشاهده‌شدنی‌تر در این قضیه هسته‌ای (سطح عینی)، در اسناد و قطعنامه‌های شورای امنیت با صراحت تأکید شده است، به طوری که نگرانی در مورد دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، و نگرانی از به خطر افتادن صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی بر اثر اشاعه این نوع سلاح‌های کشتار جمعی را باید از مهم‌ترین دلایل پیدایش و تداوم این چالش امنیتی به‌شمار آورد. قدرت‌های بزرگ و کوچک از ایران می‌خواهند که با توجه به پذیرش معاهده‌های بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل و معاهده ان‌پی‌تی، نگرانی‌های آنها را برطرف کرده و ضمن توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم با نظارت جامع و مستمر بازرسی‌های ناظران آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب پروتکل‌های الحاقی موافقت کند. با هدف رفع این نگرانی‌ها دولت ج.ا. ایران تلاش کرد مذاکره‌هایی را برای حل و مدیریت چالش هسته‌ای انجام دهد که در نهایت به توافقنامه برجام انجامید. بدین ترتیب، زمینه برای مدیریت بحران هسته‌ای تا مدت کوتاهی فراهم شد؛ اما بار دیگر با تصمیم دولت ترامپ به خروج از برجام، و نقض عهد آمریکا بحران تداوم یافت.

▪ اما، تداوم بحران هسته‌ای ایران فراتر از نگرانی جامعه بین‌المللی از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است، و پژوهشگران و کارشناسان به علل دیگری نیز اشاره کرده‌اند. برخی حتی استدلال می‌کنند که بی‌توجهی به این علل موجب خروج دولت واشنگتن از توافقنامه برجام شد، در نتیجه برای هر نوع مقابله با این بحران باید گام‌های مؤثری برای رفع این علل برداشت. این پژوهشگران دو گروه علل را مطرح کرده‌اند: الف) برخی با رویکردی نواقعی‌گرای و منفعت‌محورانه بر این باورند که دستیابی ج.ا. ایران به فناوری هسته‌ای با منافع همه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای تقابل دارد، از این رو به شدت مخالف دستیابی ج.ا. ایران به توانایی نظامی هسته‌ای بوده‌اند. افزون‌بر کشورهای غربی مانند آمریکا، انگلستان و فرانسه که در مذاکره‌های هسته‌ای ایران شرکت داشته و مخالفت آشکار با اتمی شدن ایران نشان داده‌اند، چین و روسیه نیز به دلایل مختلف اقتصادی امنیتی و سیاسی هر گونه تقویت قدرت هسته‌ای ایران را مغایر با منافع ملی خود می‌دانند. در واقع، تفاوت بین این کشورها در حد و حدود دستیابی ج.ا. ایران به فناوری هسته‌ای آشکار شد؛ ب) برخی دیگر از کارشناسان با رویکردی سازه‌نگارانه و هویتی به این چالش می‌نگرند و بیان می‌کنند که عوامل مختلفی موجب شده تا مسئله هسته‌ای ج.ا. ایران از شکل چالشی متعارف خارج شود و ابعاد هویتی به خود بگیرد، از این رو تنها نباید براساس تحلیل منفعت-هزینه بررسی شود. به ابعاد هویتی، فرهنگی آن نیز باید توجه کرد و به‌عنوان راه‌حل در این لایه می‌توان از مذاکره برای رسیدن به نوعی منافع

مشترک با لحاظ کردن دغدغه هویتی سخن گفت. فرض بر این است که تداوم بحران تا حدی بر اثر بی‌توجهی به پیوند مسئله هسته‌ای با هویت و استقلال‌خواهی ایرانیان، و تلاش قدرت‌های بزرگ برای سازش و تسلیم کامل ج.ا. ایران در این موضوع بوده است. براساس این رویکرد، به‌جای راه‌حل «برد کامل» یا «باخت کامل» یکی از طرفین، از مزایای انتخاب راه‌حل «برد-برد» پشتیبانی می‌کنند.

▪ در واقع نکته این است که با وجود توافق برجام، باز هم بحران فروکش نکرد و خروج آمریکا از آن کشورهای ۱+۵ را وارد مرحله جدیدی از رویارویی کرد. کشورهای اروپایی بازی دوگانه‌ای را آغاز کردند و به‌نظر می‌رسید آنها نیز مایل به اجرای کامل برجام نیستند. روسیه و چین هم هرچند در بیانیه‌های رسمی از ج.ا. ایران پشتیبانی می‌کردند، اما اعلام می‌کردند که در عمل کاری از آنها ساخته نیست. این روند موجب شد که باید ریشه تداوم بحران را در عللی فراتر از آنچه در بیانات و اسناد اعلام شده است، جست‌وجو کرد. باید علاوه بر تحلیل منفعت‌محورانه یا سازه‌نگارانه و هویتی و نگرش قدرت‌های بزرگ به ایران انقلابی و گفتمانی که در پشت این ظواهر قرار دارد، به گفتمان امنیتی‌سازی<sup>۱</sup> فعالیت هسته‌ای ج.ا. ایران نیز توجه کرد.

▪ آنچه این جهان‌بینی و گفتمان امنیتی‌سازی ج.ا. ایران را موجب می‌شود و تقویت می‌کند، ریشه در استعاره‌های موجود و حاکم در عرصه نظام بین‌الملل دارد که از جمله می‌توان به استعاره صلح و امنیت نظام بین‌الملل و استعاره تروریسم به‌عنوان مهم‌ترین تهدید جدید بین‌الملل به معنای حفظ منافع قدرت‌های بزرگ و حفظ موازنه قدرت موجود اشاره کرد. هر گونه تهدیدی علیه ساختار قدرت موجود، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌آید که این استعاره در عمل شکل‌گیری هر قدرت جدیدی را تهدید قلمداد می‌کند و حفظ وضع موجود را در اولویت قرار می‌دهد. در این تعریف از نظام بین‌المللی هر کشور انقلابی یا گروه‌های سیاسی مخالف وضع موجود به‌عنوان تهدید بالقوه تلقی می‌شود که در صورت اقدام‌های عملی می‌توانند برچسب تروریستی بخورند؛ به بیان دیگر، تروریسم کلمه رمزی برای همه گروه‌های مخالف ساختار قدرت در نظام جهانی می‌تواند باشد و پس از خیزش و بیداری جریانات اسلامی در منطقه و رشد اسلام‌گرایی با گونه‌های مختلف، این جریان به‌عنوان تهدیدی مطرح شده است که از آن با عنوان بنیادگرایی اسلامی یا تروریسم اسلامی یاد می‌کنند و با تحرکات این گروه‌ها در مناطق مختلف جهان، کشورهای بزرگ عضو شورای امنیت تقریباً همگی جریانات اسلام‌گرا را تهدید بالقوه و در مورد برخی گروه‌های خاص اسلامی تهدیدی بالفعل می‌دانند.

در مورد پیشنهادهای سیاستی می‌توان نتیجه گرفت که چالش هسته‌ای ج.ا. ایران به دلیل دارا بودن لایه‌های علی مختلف، هرچند در برخی لایه‌ها در کوتاه‌مدت مدیریت‌شدنی است، اما حل آنها در لایه‌های عمیق‌تر نیازمند راهبردها و اقدام‌های میان‌مدت و درازمدت‌تر است. به عبارت دیگر، براساس یافته‌های منتج از تحلیل هر لایه باید راهبردهای مناسب را برای مدیریت چالش در آن لایه مطرح ساخت تا در نهایت مجموعه راهبردها در لایه‌های مختلف بتواند بسته سیاستی کاملی را در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت برای حل یا کاهش چالش ارائه کند.

الف) در کوتاه‌مدت، با توجه به اینکه علل چالش در لایه اول نگرانی از اشاعه سلاح هسته‌ای از سوی ج.ا. ایران است، راهبردهای پیشنهادی برای کاهش علل بحران در این لایه از راه ابزارهای دیپلماتیک موجود، بازگشت طرفین به اصول و قواعد بین‌المللی موجود همچون پایبندی به عدم اشاعه هسته‌ای و پذیرش حق مشروع و قانونی استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای با پذیرش نظارت آژانس است. در این زمینه مبتنی بر این علل ظاهری ج.ا. ایران تلاش کرد مذاکره‌هایی را برای حل و مدیریت چالش هسته‌ای انجام دهد که در نهایت به توافقنامه برجام انجامید و زمینه را برای حل مسئله تا مدت کوتاهی فراهم آورد و اعضای شورا ج.ا. ایران را از ذیل بند هفتم به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی خارج ساختند. اما این توافق توسط امریکا لغو و با خروج آن کشور، دچار مشکل جدی اجرا شد و هنگامی که امریکا بار دیگر تحریم‌هایی را علیه ج.ا. ایران وضع کرد، ج.ا. ایران نیز به‌طور متقابل اقدام‌هایی را به‌منظور فعال کردن غنی‌سازی با درجه بالا انجام داد. مبتنی بر این ظواهر علت تداوم را باید در رفتار کارگزاران امریکایی جست‌وجو کرد که این موارد در برجام لحاظ شده است. بنابراین احیای برجام در کوتاه‌مدت می‌تواند راه‌حل مناسبی باشد که طرف‌های مختلف با بازگشت به آن می‌توانند چالش‌ها را مدیریت کرده و نگرانی‌ها را تا حدی مرتفع سازند، هرچند تقویت بنیادهای آن به شکلی که طرف قدرتمند نتواند به‌آسانی از این توافقنامه خارج شود و آن را نقض کند، از دغدغه‌هایی است که نیازمند ارائه راهکارهای کارشناسی است. باید متذکر شد که با توجه به تداوم چالش‌ها در لایه‌های عمیق‌تر، برجام نمی‌تواند به‌تنهایی چالش‌ها را به‌طور کامل مرتفع کند و نگرانی‌ها در لایه‌های عمیق‌تر تداوم خواهد داشت و اگر به آنها توجه نشود، این توافقنامه نیز بسیار بی‌ثبات خواهد بود.

ب) در میان‌مدت، لایه دوم چالش‌ها ریشه در منافع قدرت‌های بزرگ و نوع رویکرد و ذهنیت آن‌ها نسبت به ج.ا. ایران دارد که این مسئله نیازمند استفاده از ابزارهای دیپلماسی و تلاش برای استفاده از فرصت‌های موجود در نظام بین‌الملل و بهره‌برداری از اختلاف‌ها و چالش‌های قدرت‌های بزرگ و از سوی دیگر تقویت ارتباطات دیپلماتیک و راهبردی با برخی

قدرت‌های بزرگ کمتر سلطه‌گر و قدرت‌های متوسط نظام بین‌الملل برای ایجاد نوعی روابط مبتنی بر تأمین منافع متقابل و بازی مبتنی بر برد-برد است که در این زمینه تقویت روابط راهبردی با روسیه، چین و حتی اروپا، می‌تواند از فشارهای یک‌جانبه‌گرایی امریکا جلوگیری کند و ضمن حفظ منافع متقابل از پشتیبانی آنها در عرصه حفظ دستاورد فناوری هسته‌ای به‌عنوان یک فناوری راهبردی در جهان امروز بهره‌برد و به این وسیله بتوان منافع و مصالح کشور را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت در عرصه هسته‌ای پاس داشت.

ج) در بلندمدت، لایه عمیق‌تر موضوع، نوع نگرش امنیتی و تهدیدانگاری به ایران انقلابی است که به‌صورت خفیف یا شدید در جهان‌بینی سیاسی و فراگفتمان سیاسی قدرت‌های بزرگ جهانی دیده می‌شود و آن نیز در استعاره‌ها و تابوهای شکل‌گرفته در جهان نسبت به ج.ا. ایران ریشه دارد. آنها پشتیبانی ج.ا. ایران از مسلمانان و به‌خصوص مسئله فلسطین و پشتیبانی ج.ا. ایران از مسلمانان و شیعیان یمن و لبنان و تقویت نفوذ ج.ا. ایران در منطقه و تلاش ج.ا. ایران برای بیداری اسلامی را نوعی تهدید امنیتی می‌دانند؛ در واقع، بخشی از ایدئولوژی انقلاب ایران را عامل این تهدید به‌حساب می‌آورند که عبور جمهوری اسلامی از این اقدام‌ها با تفکر و ایدئولوژی و آرمان‌های انقلاب ایران سازگاری ندارد، مگر آنکه جمهوری اسلامی از شکل یک نظام انقلابی حساس به ظلم و مخالف استکبار و طرفدار مظلوم به نظام سیاسی متعارف تغییر شکل دهد یا اینکه مانند برخی کشورهای دیگر در ظاهر مخالفت کند، اما سیاست‌های اعمالی او برخلاف سیاست‌های اعلانی او و همسو با مواضع قدرت مسلط هژمون باشد.

به‌نظر می‌رسد هرچند در لایه‌های اول و دوم از راه مذاکره و گفت‌وگو می‌توان به حداقل‌هایی از توافق برای کاهش منازعه رسید، اما در لایه‌های سوم و چهارم با توجه به عمق این چالش‌ها، یافتن راه‌حلی برای کاهش و مدیریت آنها نیازمند اقدام‌های میان‌مدت و درازمدت است و از آنجا که این جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها ناشی از استعاره‌ها و تقابل استعاره‌هایی همچون حفظ نظم موجود جهانی در مقابل استعاره‌های اصلاح نظام بین‌المللی، عدالت‌خواهی، استقلال‌خواهی و انقلابی‌گری ضد سلطه است، این چالش‌ها در ابعاد خفیف تا شدید می‌تواند تداوم یابد و مبتنی بر آن پیش‌بینی می‌شود که موضوع هسته‌ای هرچند ممکن است با مذاکره دیپلماسی به نوعی توافق برسد، اما دغدغه‌های امنیتی درباره ج.ا. ایران از سوی کشورهای مذکور حفظ خواهد شد و ممکن است به شکل و در قالب جدیدی بروز و ظهور یابد، از این‌رو توصیه‌ها و راهبردها باید با لحاظ کردن عوامل مذکور و معطوف به تغییر بنیان‌ها مطرح شود، بر این اساس می‌توان بر برنامه‌ریزی برای پیشبرد راهبردهای ذیل تأکید کرد:

ارتقای قدرت ملی در ابعاد مختلف و بهره‌برداری از فرصت‌های ایجاد تغییر در نظام بین‌الملل و تلاش برای نقد منطقی وضع موجود، ایجاد تشکیک و تغییر در جهان‌بینی گفتمان

امنیتی‌سازی حاکم بر موضوع هسته‌ای ج.ا. ایران با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی، زیر سؤال بردن بنیادهای غیرمنطقی نظم موجود و پشتیبانی و همکاری با نحله‌های فکری مخالف وضع موجود در جهان و همکاری‌های علمی و بین‌المللی با نخبگان در این زمینه و همچنین تغییر استعاره‌ها و تغییر در مناسبات قدرت جهانی صورت مسئله چالش‌های موجود را به‌طور اساسی و بنیادی حل کند.

#### بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

#### منابع و مأخذ

##### الف) فارسی

۱. احمدیان، قدرت؛ سعیده سادات احمدی. (۱۳۹۳) «مناقشه هسته‌ای ایران: لیبرالیسم نهادگرا در مقابل نئورئالیسم»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۹، ۳: ۳۷-۷۴. <DOI: 10.1001.1.1735790.1393.9.3.2.0>
۲. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۳) «تقابل در سیاست خارجی آمریکا و جهان عرب»، *نشریه مطالعات منطقه‌ای*، ۵، ۱: ۱۶۳-۱۷۶. <https://www.magiran.com/paper/1560083>
۳. بصیری، محمدعلی؛ حسن آیین‌وند. (۱۳۹۵) «مقایسه رویکرد روسیه، چین و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۵، ۱: ۲۵-۵۵. <DOI: 10.22067/JIPR.V5I1.54431>
۴. جمشیدی، محمد. (۱۳۹۴) «تأثیر فرایند توافق هسته‌ای بر ادراک آمریکا از عقلانیت راهبردی ایران»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۴، ۱۵: ۹۴-۶۹. در: [https://qpss.atu.ac.ir/article\\_2377.html](https://qpss.atu.ac.ir/article_2377.html)
۵. حق‌گو، جواد. (۱۳۹۵) «پرونده هسته‌ای ایران و اقتصاد سیاسی دیپلماسی رسانه‌ای هژمون»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۳، ۴۴: ۲۸-۷. در: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-313-fa.html>
۶. خاتمی، سید مهدی؛ ابراهیم انوشه. (۱۳۹۸) «تحلیل منازعه ایران و رژیم صهیونیستی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران با استفاده از نظریه بازی‌ها»، *آینده‌پژوهی دفاعی*، ۴، ۱۳: ۳۹-۷. <DOI: 10.22034/DFSR.2019.36541>
۷. خالوزاده، سعید. (۱۳۹۱) «دیپلماسی تحریم اتحادیه اروپا در برابر برنامه هسته‌ای ایران»، *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱، ۱: ۶۷-۵۰. <DOI: 10.22067/JIPR.V13I1.27018>
۸. خوش‌اندام، بهزاد. (۱۳۹۴) «اتحادیه اروپا و مدیریت موضوع هسته‌ای ایران: تجزیه و تحلیل روندها و آینده‌پژوهی منافع»، *راهبرد*، ۲۴، ۷۵: ۸۳-۵۳. <DOI: 10.1001.1.10283102.1394.24.2.3.8>
۹. دهشیار، حسین. (۱۳۸۱) «پاییز» موضوعات و گروه‌های مؤثر در ائتلاف‌های انتخاباتی بوش»، *نشریه مطالعات منطقه‌ای*، ۱۲، ۱۲: ۳۷-۷۰. در: <https://www.magiran.com/paper/1565458>
۱۰. دهشیار، حسین؛ نوذر نظری. (۱۳۹۸) «امنیتی کردن برنامه هسته‌ای ایران در دولت‌های بوش و اوباما»، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۷، ۲: ۶۶-۳۷. <DOI: 10.22067/JIPR.V7I2.71932>
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ سید محمدعلی علوی. (۱۳۹۵) «بررسی روند امنیتی‌سازی فعالیت هسته‌ای

- جمهوری اسلامی ایران توسط لابی طرفدار اسرائیل در امریکا از منظر مکتب کپنهاگ» پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۵، ۱۷: ۵۹-۳۹. <DOI: 10.22054/QPSS.2016.4347>.
۱۲. دیلم صالحی، بهروز؛ غلامرضا صابویی. (۱۳۹۶) «تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران با رویکرد سیستمی» پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶، ۲۱: ۱۵۰-۱۲۷. <DOI: 10.22054/QPSS.2017.11197.1321>
۱۳. ذوالفقاری، وحید؛ علی‌اکبر جعفری. (۱۳۹۵) «معمای هسته‌ای ایران و سنجش منطق سیاسی بازیگران» روابط خارجی، ۸، ۲: ۲۰۰-۱۶۹. در: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123709.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123709.html)
۱۴. سجادی‌پور، محمدکاظم؛ سعیده اجتهادی. (۱۳۸۹) «نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد: مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران» دانش سیاسی، ۶، ۱: ۵۹-۲۵. <DOI: 10.30497/pk.2010.2>
۱۵. سلطانی‌نژاد، احمد؛ مهدی شاپوری. (۱۳۹۲) «ایران و امریکا: چرخه منفی برسازی و استمرار مناقشه هسته‌ای» روابط خارجی، ۵، ۱: ۱۳۲-۱۰۵. در: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123610.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123610.html)
۱۶. سلطانی‌نژاد، احمد؛ مهدی شاپوری. (۱۳۹۵) «رویکرد اتحادیه اروپا به مسئله هسته‌ای ایران» روابط خارجی، ۸، ۱: ۱۷۶-۱۴۵. در: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123697.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123697.html)
۱۷. سلطانی‌نژاد، احمد؛ و دیگران. (۱۳۹۱) «سیاست چین در مناقشه هسته‌ای ایران و عوامل مؤثر بر آن» مطالعات راهبردی، ۱۵، ۵۸: ۱۷۰-۱۴۳. در: [http://quarterly.risstudies.org/article\\_2990.html](http://quarterly.risstudies.org/article_2990.html)
۱۸. سلطانی‌نژاد، محمد. (۱۳۹۴) «هویت، هسته‌ای شدن و حل منازعه هسته‌ای ایران» پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۴، ۱: ۸۰-۵۹. <DOI: 10.22067/JIPR.V4I1.47912>
۱۹. صباغیان، علی؛ مهدی احمدی‌گی. (۱۳۹۶) «روابط فرآتانتیکی در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵» روابط خارجی، ۹، ۲: ۱۳۴-۱۰۳. در: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_125809.html](http://frqjournal.csr.ir/article_125809.html)
۲۰. طباطبایی، سید محمد؛ حمیدرضا منتظری. (۱۳۹۷) «مقایسه سیاست خارجی بوش و اوباما در قبال پرونده هسته‌ای ایران» پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۷، ۱: ۱۱۲-۸۵. <DOI: 10.22067/JIPR.V7I1.70607>
۲۱. قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۶) «ریشه‌های بازتولید مخاصمه ایران و امریکا پس از توافق هسته‌ای» جستارهای سیاسی معاصر، ۸، ۲: ۷۲-۴۹. <DOI: 10.30465/CPS.2017.2804>
۲۲. کولایی، الهه؛ محمد سلطانی‌نژاد. (۱۳۹۳) «مذاکرات هسته‌ای و منازعه ایران و امریکا: کنکاشی در نظریه بلوغ منازعه» روابط خارجی، ۶، ۴: ۱۲۵-۹۷. در: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123664.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123664.html)
۲۳. گلن، جروم سی؛ تودور نگوردن. (۱۳۹۳) «دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهشی، ترجمه مریم کیقبادی، تهران: نشر سروش، ج ۲.
۲۴. موسوی‌فر، رضیه. (۱۳۹۸) «مؤلفه‌های تشدید بحران در روابط ایران و امریکا: ان پی تی یا توازن فراساحلی؟» فصلنامه سیاست، ۴۹، ۳: ۸۳۵-۸۲۱. <DOI: 10.22059/JPQ.2019.282043.1007439>
۲۵. مهدیان، حسین؛ و همکاران. (۱۳۹۶) «تحلیل تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ج.ا. ایران در پرونده هسته‌ای» ژئوپلیتیک، ۱۳، ۴۶: ۲۲۱-۲۰۲. <DOR:20.1001.1.17354331.1396.13.46.8.1>
۲۶. هادیان، ناصر؛ هادی زرگری. (۱۳۹۷) «روسیه و پرونده هسته‌ای ایران؛ رویکرد به گفت‌وگوها و ایفای نقش در به دست آوردن توافق» مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۱، ۱: ۲۶۳-۲۴۷.
- > 10.22059/JCEP.2018.224987.449689<DOI: 10.22059/JCEP.2018.224987.449689>
۲۷. هادیان، ناصر؛ ندا شاه‌نوری. (۱۳۹۵) «سیاست خارجی ایتالیا در قبال جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی پرونده هسته‌ای» روابط خارجی، ۸، ۳: ۵۳-۲۳. در: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123712.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123712.html).



ب) انگلیسی

28. Congressional Research Service (CRS). (2007, March) *FY 2006 Annual Report*. Available at: <https://sgp.fas.org/crs> (Accessed 4 June 2020).
29. Inayatullah, Sohail, ed. (2004) *The Causal Layered Analysis (CLA) Reader: Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology*. New Taipei, Taiwan: Tamkang University Press.
30. International Atomic Energy Organization. (nd) "IAEA and Iran- IAEA Resolutions," ([iaea.org](http://iaea.org)). Available at: <https://www.iaea.org/newscenter/focus/iran/iaea-and-iran-iaea-resolutions> (Accessed 24 March 2022).





Research Paper

## **A Causal Layered Analysis of the Continuation of Iran's Nuclear Crisis: Policy Proposals to Address the Challenges**

**Yahya Fozi<sup>1\*</sup>, Mohammad Mahmmodikia<sup>2</sup>**

<sup>1</sup> Professor, Department of Political Science, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Political Thought in Islam, Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution, Tehran, Iran

Received: 11 May 2021, Accepted: 14 March 2022  
© University of Tehran

### **Abstract**

The aim of this study is to identify and explain the causes of continuing challenges posed by Iran's nuclear program in the past decades in order to present a more realistic picture of this long-standing controversy. By using a more comprehensive, multi-layered approach to the study of the causes of the problem, the authors try to provide policy proposals to address the challenges, and ultimately resolve the issue which has sparked intense debate in academic and political establishments. The main research questions are as follows: 1. Why has Iran's decision to acquire nuclear technology and invest in civilian nuclear energy program in the post-revolution era encountered strong international opposition? 2. What are the great powers' reasons for their strong and unremitting objections to Iran's nuclear program? 3. What are the most effective policy proposals to overcome the challenges and prevent the escalation of the nuclear crisis? In order to answer these questions, the authors rely on the causal layer analysis as well as thematic and inferential analysis methods in their quest to assess and explain the impact of key factors on the occurrence and persistence of this protracted crisis. Iran's nuclear issue can be studied at different levels to identify known and lesser-known impediments to its peaceful resolution. There are some obstacles that can be removed in the short term through conventional diplomatic means such as direct negotiations. However, there are some more fundamental and deeply-rooted obstructing factors in the deeper layers which require more time to be tackled in a longer-term horizon.

The main findings are as follows: First, the visible causes of the objections to Iran's nuclear program are explicitly emphasized in the documents and resolutions of the UN Security Council. It is clear that there is a prevalent concern about the likelihood of Iran's acquisition of nuclear

---

\* Corresponding Author Email: fozi@ihcs.ac.ir

weapon capability which might endanger international peace, stability and security. Second, in the second layer of causal analysis, we examined what had been mainly discussed by the scholars and analysts in Iranian research and academic centers, and found diverse explanations of the causes of the nuclear crisis: In the first group, some researchers using neorealist and utilitarian approaches have argued that the Islamic Republic of Iran's access to nuclear technology has been viewed as threatening the interests of all permanent members of the UN Security Council for various economic, security and political reasons. The Big 5 intend to maintain their nuclear monopoly which is seen as necessary for their superior power position in the international system, and thus they are doing their best to prevent nuclear proliferation. The second group of Iranian researchers have adopted a constructivist approach to the study of the nuclear issue which is considered as a challenge arising from the differences in the perceptions and ways of thinking of the two sides (i.e., Iran and the small groups of advocates of its peaceful nuclear program vs the larger group of the opponents of Iran's nuclear program). A third group of scholars have concentrated on elements of identity, and the clashing worldviews of the two sides which have led to the development of different discourses with their own images and metaphors as related to the policies of protecting the status quo or reforming the existing world order in which some member states are reaping the benefit of their superiority at the expense of the rest.

In sum, it is concluded that management of the international crisis over Iran's nuclear program requires a comprehensive, multi-layered and win-win approach which addresses the security concerns of other countries and respects Iran's determination to protect its national interest, particularly as related to its territorial integrity and political system with a unique religious identity. The best strategy to confront the nuclear challenge is to use diplomatic tools to encourage the parties to keep to the existing international principles and rules, including adhering to the non-proliferation regime and accepting the legitimate right of Iran to continue its peaceful nuclear energy program under the agreement between Iran and the International Atomic Energy Agency for safeguarding its civilian nuclear facilities. Focusing on mutual interest-based and win-win-based formulas is of particular importance for the peaceful resolution of the disagreement over Iran's nuclear program.

**Keywords:** Islamic Republic of Iran, Management of Nuclear Crisis, Causal Layer Analysis, UN Security Council, Nuclear Technology

#### **Declaration of conflicting interests**

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

#### **Funding**

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

**ORCID iDs:** <https://orcid.org/0000-0002-2636-5839>

## References

- Ahmadian, Qodrat; and Saeedeh Sadat Ahmadi. (2014) "Monāghesh-ye hāste'ī-ye Īrān: liberālism nahād'garā dar moghābel-e neoreālism) (Iran's Nuclear Conflict: Institutional Liberalism vs. Neorealism)," *Pajohesh'nāmeḥ-ye olom-e siyāsī (Journal of Political Science)* 9, 3: 37-74, <DOR: 20.1001.1.1735790.1393.9.3.2.0>. [in Persian]
- Basiri, Mohammad Ali; Hasan Ayinevand. (2016) "Moghayes'-ye roykard-e rossiyeḥ, chin va āmricā dar ghebāl-e parvandeḥ-ye haste'ī-ye Īrān (A Comparison of Russia, China and US Approaches to Iran's Nuclear Case)," *Pajohesh'nāmeḥ-ye Īrāni-ye Siyāsāt-e bein'ol mellal (Iranian Journal of International Politics)* 5, 1: 25-55, <DOI: 10.22067/JIPR.V5I1.54431>. [in Persian]
- Congressional Research Service (CRS). (2007, March) *FY 2006 Annual Report*. Available at: <https://sgp.fas.org/crs> (Accessed 4 June 2020).
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal; and Mohammadali Alavi. (2016) "Baresi-ye ravand-e amniyati'sāzi-ye fa'āliyat-e jomhouri-e eslāmī-'i Īrān tavasot-e lābi-ye tarafdār-e esrāeel dar āmricā az manzar-e maktab-e kopenhāg (A Study of the Process of Securitization of Nuclear Activities of the Islamic Republic of Iran by the Pro-Israel Lobby in the United States from the Perspective of the Copenhagen School)," *Pajohesh'ha-ye rāhbordi-ye siyāsāt (Strategic Policy Research)* 5, 17: 39-59, <DOI: 10.22054/QPSS.2016.4347>. [in Persian]
- Dehshyar, Hossein. (2002, Fall) "Mozoāt va goroh'hā-ye moaser dar etelāf'hā-ye entekhābāti-ye bush (Issues and Influential Groups in Bush Electoral Coalitions)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e mantagheḥ'ī (Journal of Regional Studies)* 12, 12: 37-70. Available at: <http://magiran.com/p1565458> (Accessed 17 June 2020). [in Persian]
- Dehshyar, Hossein; Nozar Nazari. (2018) "Amniyati'kardan-e barnām'eh-ye hāste'ī-ye Īrān dar dolat'hā-ye bush va obāmā (Securing Iran's Nuclear Program in the Bush and Obama Administrations)," *Pajohesh'nāmeḥ-ye Īrāni-ye siyāsāt-e bein'ol mellal (Iranian Journal of International Politics)* 7, 2: 37-66, <DOI: 10.22067/JIPR.V7I2.71932>. [in Persian]
- Deylam Salehi, Behrooz; and Gholamreza Saebi. (2017) "Tahlil-e siyāsāt-e khāreji-ye ayālāt-e motahedeḥ-ye āmricā dar ghebāl-e parvandeḥ-ye hāste'ī-ye Īrān (An Analysis of US Foreign Policy on Iran's Nuclear Case Using a Systematic Approach)," *Pajohesh'ha-ye rāhbordi-ye siyāsāt (Strategic Policy Research)* 6, 21: 127-150, <DOI: 10.22054/QPSS.2017.11197.1321>. [in Persian]
- Eftekhari, Asghar. (2004) "Taghābol dar siyāsāt-e khāreji-ye āmricā va jahān-e arab (Confrontation in US Foreign Policy and the Arab World)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e mantagheḥ'ī (Journal of Regional Studies)* 5, 1: 163-176. Available at: <https://www.magiran.com/paper/1560083> (accessed 4 June 2020). [in Persian]
- Glenn, Jerome C.; and Theodore Ngordon. (2014) *Dānesh'nāmeḥ-ye bozorg-e ravesh'hā-ye āyandeh'pajohi (The Great Encyclopedia of Future*

- Research Methods*), trans. Maryam Kiqbadi. Tehran: Soroush, Vol. 2. [in Persian]
- Hadian, Nasser; and Hadi Zargari. (2018) "Rosiyeh va parvandehe-ye haste'ī-ye Irān; roykard b' goftego'hā va eefāye naghsh dar b'dast'āvardan-e tavafoogh (Russia and the Iranian Nuclear File; An Approach to Dialogues and the Role of Consensus)," *Motāleāt-e orāsiyā-ye markazī (Central Eurasian Studies)* 11, 1: 247-263, <DOI:10.22059/JCEP.2018.224987.449689>. [in Persian]
- Hadian, Nasser; and Neda Shahnoori. (2016) "Siyāsāt-e khāreji-ye italia dar ghebal jomhuri-e eslāmī-i Irān: motāle'h-ye moredi-ye parvandehe-ye haste'ī-ye (Italy's Foreign Policy Towards the Islamic Republic of Iran: A Case Study of the Nuclear File)," *Faslnāmehe-ye ravābet-e khārejī (Foreign Relations Journal)* 8, 3: 23-53. Available at: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123712.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123712.html) (Accessed 2 March 2020). [in Persian]
- Haqgoo, Javad. (2016) "Parvandehe-ye haste'ī-ye Irān va eghtesād-e siyāsi-ye dīplomācy-ye rasāne'ī-ye hegemon (Iran's Nuclear File and the Political Economy of Hegemonic Media Diplomacy)," *Motāleāt-e enghelāb-e eslāmī (Journal of Islamic Revolution Studies)* 13, 44: 7-28. Available at: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-313-fa.html> (Accessed 17 June 2020). [in Persian]
- Inayatullah, Sohail, ed. (2004) *The Causal Layered Analysis (CLA) Reader: Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology*. New Taipei, Taiwan: Tamkang University Press.
- International Atomic Energy Organization. (n.d.) "IAEA and Iran - IAEA Resolutions," ([iaea.org](http://iaea.org)). Available at: <https://www.iaea.org/newscenter/focus/iran/iaea-and-iran-iaea-resolutions> (Accessed 24 March 2022).
- Jamshidi, Mohammad. (2015) "Tasyr-e farāyand-e tavafoogh-e haste'ī bar edrāk-e āmricā az aghlāniyat-e rāhbordi-ye Irān (The Impact of the Nuclear Deal Process on the US Perception of Iran's Strategic Rationality)," *Pajohesh'ha-ye rāhbordi-ye Siyāsāt (Strategic Policy Research)* 4, 15: 69-94. Available at: [https://qpss.atu.ac.ir/article\\_2377.html](https://qpss.atu.ac.ir/article_2377.html) (Accessed 17 June 2020). [in Persian]
- Khatami, Seyed Mehdi; and Ibrahim Anousheh. (2019) "Tahlil-e monāzere'i Irān va rejim-e sahunisti dar zamine'i barnām'eh-ye hāste'ī-ye Irān (An Analysis of the Conflict between Iran and the Zionist Regime Over Iran's Nuclear Program using Game Theory)," *Faslnāmehe-ye ayande'pajohi-ye defā'i (Journal of Defense Future Research)* 4, 3: 39-73, <DOI: 10.22034/DFSR.2019.36541>. [in Persian]
- Khalouzadeh, Saeed. (2012) "Diplomāci-ye tahrim-e etehādi'eh-e oropā dar barābar-e barnām'eh-ye hāste'ī-ye Irān (EU Sanctions Diplomacy against Iran's Nuclear Program)," *Pajohesh'nāmehe-ye Irāni-ye siyāsāt bein'ol mellal (Iranian Journal of International Politics)* 1, 1: 50-67, <DOI: 10.22067/JIPR.V1391I1.27018>. [in Persian]
- Khoshandam, Behzad. (2015) "Etehādi'eh-e oropā va modiriyat-e mozo'e hāste'ī-ye Irān: Tajzieh va tahlil-e ravand'hā va āyandeh'pajohi" (The EU and the Management of the Iranian Nuclear Issue: An Analysis of Trends and Future Research of Interests)," *Faslnāmehe-ye rāhbord (Journal of*

- Strategy*) 24, 75: 53-83, <DOI: 20.1001.1.10283102.1394.24.2.3.8>. [in Persian]
- Koolaei, Elaheh; and Mohammad Soltaninejad. (2014) "Mozakerāt-e hāste'ī va monāz'e-ye Īrān va āmricā: kankāshi dar nazarye'-ye blogh-e monāz'e (Nuclear Negotiations and the Iran-US Conflict: An Exploration of the Maturity Theory of Conflict)," *Faslnāmeḥ-ye ravābet-e khārejī (Foreign Relations Quarterly Journal)* 6, 4: 97-125. Available at: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123664.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123664.html) (Accessed 17 June 2020). [in Persian]
- Mahdian, Hossein; et al. (2017) "Tahlil-e tasir'gozāri-ye avāmel-e jeopolitiki bar siyāsāt-e amniyāt-e melli-ye jomhuri-e eslāmī-'i Īrān (An Analysis of the Impact of Geopolitical Factors on National Security Policy of the Islamic Republic of Iran in the Nuclear Case)," *Jeopolitik (Geopolitics)* 13, 46: 202-221, <DOR: 20.1001.1.17354331.1396.13.46.8.1>. [in Persian]
- Mousavifar, Razieh. (1398) "Moalefe'hā-ye tashdid-e bohrān dar ravābet-e Īrān va āmricā: NPT yā tavāzon-e farā'sāheli?( The Factors of Crisis Intensification in Iran-US Relations: NPT or Offshore Balance?)" *Faslnāmeḥ-'i siyāsāt (Politics Quarterly)* 49, 3: 821-835, <DOI: 10.22059/JPQ.2019.282043.1007439>. [in Persian]
- Qanbarlo, Abdollah. (2017) "Rishe'hā-ye bāz'tolid-e mokhāsem'e-ye Īrān va āmricā pas az tavāfogh-e hāste'ī "(The Roots of Reproduction of the Iran-US Conflict after the Nuclear Deal)," *Jostār'hā-ye siyāsi-e moāser (Contemporary Political Essays)* 8, 2: 49-72, <DOI:10.30465/CPS.2017.2804>. [in Persian]
- Sabbaghian, Ali; and Mehdi Ahmadbeigi. (2017) "Ravābet-e farā'ātlāntiki dar mozākerat-e hāste'ī-ye Īrān va 1+5 (Transatlantic Relations in the Iran and P5+1 Nuclear Negotiations)," *Faslnāmeḥ-ye ravābet-e khārejī (Foreign Relations Quarterly Journal)* 9, 2: 103-134. Available at: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_125809.html](http://frqjournal.csr.ir/article_125809.html) (Accessed 8 April 2020). [in Persian]
- Sajjadpour, Mohammad Kazem; and Saeedeh Ijtihadi. (2010) "Negāresh-e amniyati-ye gharb va tahdidāt-e bein'ol mellali pas az jang-e sard: motāle'h moredi-ye barnām'eh-ye hāste'ī-ye jomhuri-e eslāmī-'i Īrān (Western Security Outlook and International Threats after the Cold War; A Case Study of the Nuclear Program of the Islamic Republic of Iran)," *Dānesh-e siyāsi (Political Knowledge)* 6, 1: 25-59, <DOI:10.30497/pk.2010.2>. [in Persian]
- Soltaniehnejad, Ahmad; and Mehdi Shapoori. (2013) "Īrān va āmricā" charkhe'-ye manfi-ye bar'sazi va estemrār-e monāghesh'e-ye hāste'ī (Iran and the United States: The Negative Cycle of Constructing and Continuing the Nuclear Conflict)," *Faslnāmeḥ-ye ravābet-e khārejī (Foreign Relations Quarterly Journal)* 5, 1: 105-132. Available at: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123610.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123610.html) (Accessed 1 April 2020). [in Persian]
- Soltaninejad, Ahmad; et al. (2012) "Siyāsāt-e chin dar monāghesh'i hāste'ī-ye Īrān va avāmel-e moaser bar ān (China's Policy in the Iranian Nuclear Dispute and the Factors Influencing it)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e rāhbordi*

(*Journal of Strategic Studies*) 15, 58: 143-170. Available at: [http://quarterly.risstudies.org/article\\_2990.html](http://quarterly.risstudies.org/article_2990.html) (Accessed 14 July 2020). [in Persian]

Soltaniehnejad, Ahmad; and Mehdi Shapoori. (2016) "Roykar-e etehādi'eh-e oropā b' masal'eh-ye hāste'ī-ye Īrān (EU Approach to the Iranian Nuclear Issue)," *Faslnāmeḥ-ye ravābet-e khārejī (Foreign Relations Quarterly Journal)* 8, 1: 145-171. Available at: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123697.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123697.html) (Accessed 1 April 2020). [in Persian]

Soltaninejad, Mohammad. (2015) "Hoviyat, hāste'ī'shodan va hall-e monāz'e-ye hāste'ī-ye Īrān (Identity, Nuclearization and Resolution of the Iranian Nuclear Conflict)," *Iranian Journal of International Politics* 4, 1: 59-80, <DOI: 10.22067/JIPR.V4I1.47912>. [in Persian]

Tabatabai, Seyed Mohammad; and Hamidreza Montazeri (2018). (2018) "Moghāyes'-ye siyāsāt-e khārejī-ye bush va obāmā dar ghebāl parvandeḥ-ye hāste'ī-ye Īrān (Comparison of Bush and Obama Foreign Policy Toward the Iranian Nuclear File)," *Pajohesh'nāmeḥ-ye Īrāni-ye siyāsāt bein'ol mellal (Iranian Journal of International Politics)* 7, 1: 112-185, <DOI: 10.22067/JIPR.V7I1.70607>. [in Persian]

Zolfaghari, Vahid; and Ali Akbar Jafari. (2016) "Mo'āmā-ye hāste'ī-ye Īrān va sanjesh-e mantegh-e siyāsi-ye bāzigarān (Iran's Nuclear Puzzle and the Measurement of Political Logic of Actors)," *Faslnāmeḥ-ye ravābet-e khārejī (Foreign Relations Quarterly Journal)* 8, 2: 169-200. Available at: [http://frqjournal.csr.ir/article\\_123709.html](http://frqjournal.csr.ir/article_123709.html) (Accessed 2 May 2020). [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی